

بررسی حق دادخواهی در قانون اساسی ایران و اسناد بین‌المللی

بهرروز زارع^{۱*}، نبی خدا کرمی^۲

^۱ فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد گرمسار، رشته فقه و حقوق جزا

^۲ استادیار، هیئت‌علمی دانشگاه آزاد گرمسار

چکیده

بی‌شک هدف غایی حقوق، احقاق عدالت است. عدالت کمال مطلوبی است که انسان برای نیل به آن هیچ‌گاه فراغت نمی‌یابد. قطعاً یکی از ارکان تحقق این مهم، حق دادخواهی است. حق بر دادخواهی که ریشه در کرامت انسانی دارد و می‌بایست مورد حمایت کشورها واقع گردد، از جمله حقوق رویه‌ای محسوب می‌شود؛ حقوق رویه‌ای حقوقی هستند که تضمین‌کننده سایر حقوق بشر می‌باشند، به عبارت دیگر حقوق رویه‌ای مجموعه تمهیداتی هستند که برای رعایت و تضمین حقوق ماهوی مقرر می‌شود؛ بنابراین حق بر دادخواهی مقدمه اجرای حقوق دیگری است که اسناد حقوق بشری از آن به‌عنوان حق دفاع یاد کرده‌اند. امروزه حق دادخواهی به‌عنوان جزئی از حقوق و آزادی‌های اساسی فردی و لازمه حمایت از حق حیات، مورد توجه اسناد معتبر بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین قوانین اساسی کشورها می‌باشد. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز اگرچه در قانون اساسی از حق بر دادخواهی غافل نمانده است، لیکن برای تحقق کامل این حق بنیادین، موانع و محدودیت‌هایی وجود دارد. مقاله پیش رو قصد این دارد تا با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری در زمینه حق بر دادخواهی، ضمن بررسی این حق، مبانی عدم تکمیل این حق در حقوق موضوعه ایران را بررسی نماید.

واژه‌های کلیدی: حق بر دادخواهی، اصول دادرسی عادلانه، حقوق شهروندی، قانون اساسی ایران، اسناد بین‌المللی.

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷، صفحات ۲۳۳-۲۴۳